

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره پانزدهم ، شماره پنجاه و ششم ، تابستان ۱۴۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

صفحات: ۲۶-۸

تبیین نقش بسیج در تقویت امنیت ملی در مواجهه با جنگ شناختی

نویسندگان:

سید ابوالفضل خیام شهرکی<sup>۱</sup>، سید مهرداد خیام شهرکی<sup>۲</sup>

## چکیده

این مقاله به بررسی نقش بسیج در تقویت امنیت ملی در مواجهه با جنگ شناختی می‌پردازد. جنگ شناختی به عنوان یک ابزار مدرن از سوی قدرت‌های متخاصم، به هدف تحریف ادراکات عمومی و ایجاد ناهماهنگی میان افراد و نهادهای اجتماعی به کار می‌رود. بسیج به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم نیروهای اجتماعی و نظامی، با توانمندی‌های فراوانش می‌تواند در مبارزه با تهدیدات ناشی از جنگ شناختی نقش مؤثری ایفا کند. از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی قوی و انتقال سریع اطلاعات صحیح و شفاف، بسیج می‌تواند به تضعیف تأثیرات منفی روایت‌های کاذب و شایعات کمک کند. همچنین، تقویت سواد رسانه‌ای در بین اعضای بسیج می‌تواند به آگاهی‌بخشی و ایجاد تفکر انتقادی در جامعه منجر شود. با ارائه آموزش‌های لازم به شهروندان، بسیج می‌تواند از تفرقه‌افکنی و بی‌اعتمادی جلوگیری کرده و انسجام اجتماعی را تقویت کند. در نهایت، این مقاله به بررسی نقش بسیج به عنوان یک نیروی تجمعی برای محافظت از امنیت ملی و مقابله با جنگ شناختی می‌پردازد و به اهمیت همکاری بین نیروی بسیج و نهادهای دولتی در این راستا تأکید می‌کند.

کلید واژه ها : امنیت ملی، بسیج، تهدید، جنگ شناختی

۱ : کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، مرکز شهرکرد - khayam.s.abolfazl@gmail.com

۲ : دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آیت الله بروجردی (ره) - s.m.khayam71@gmail.com

## ۱. مقدمه

در عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات، مفهوم جنگ شناختی<sup>۱</sup> به یکی از چالش‌های جدی برای امنیت ملی کشورها تبدیل شده است. جنگ شناختی به فرآیندهایی اشاره دارد که در آن از ابزارهای اطلاعاتی و رسانه‌ای برای تحت تأثیر قرار دادن ادراکات، باورها و رفتارهای اجتماعی استفاده می‌شود. این نوع جنگ، به ویژه در دنیای مدرن که اطلاعات به سرعت منتقل می‌شود و رسانه‌های اجتماعی فضایی فراهم کرده‌اند تا نمادهای فرهنگی و سیاسی به سادگی بازنشر شوند، به تهدیدی جدی برای انسجام و امنیت ملی تبدیل گردیده است. در این راستا، بررسی و شناسایی ابزارها و نهادهایی که می‌توانند به مقابله با این تهدیدها بپردازند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (خلیقی، ۱۴۰۳: ص ۲۳۲۸).

بسیج به عنوان یک نهاد مردمی و انقلابی در ایران، از زمان تأسیس تاکنون همواره نقش حائز اهمیتی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و امنیتی ایفا کرده است. این نهاد با اتکا به نیروی مردمی و روحیه جهادی، توانسته است به شکلی مؤثر در راستای تحقق اهداف ملی و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی عمل کند. در شرایطی که جنگ شناختی به دنبال ایجاد تفرقه، ناامیدی و بحران در جامعه است، بسیج به عنوان یک نیروی یکپارچه و مردمی می‌تواند به تقویت انسجام و وحدت در میان مردم کمک کند. یکی از مهم‌ترین وظایف بسیج در این زمینه، ارتقاء آگاهی عمومی نسبت به روش‌ها و اهداف جنگ شناختی است.

نقش بسیج در تقویت امنیت ملی در مواجهه با جنگ شناختی را با توجه به نتایج تحقیقات پیشین می‌توان در چند بُعد مورد بررسی قرار داد. نخست، بسیج می‌تواند با ایجاد بسترهای آموزشی و تسهیل دسترسی به اطلاعات صحیح، به افزایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی جامعه کمک کند (حاجی‌زاده نواف و مهدیزاده، ۱۳۹۳: ص ۱۵۴؛ عمیدی، ۱۳۸۵: ص ۷۱). در دنیایی که اخبار جعلی و اطلاعات نادرست به راحتی منتشر می‌شود، توانایی شناسایی و تمایز اخبار واقعی از جعلی به یکی از ارکان مهم امنیت ملی تبدیل شده است. بسیج، با برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها و نشست‌های آموزشی، می‌تواند اطلاعات لازم را در اختیار مردم قرار دهد و آن‌ها را نسبت به اثرات و تبعات جنگ شناختی آگاه سازد.

دومین بُعد، نقش بسیج در ایجاد همبستگی و شور اجتماعی است (پیروندیری، ۱۴۰۰: ص ۱۱-۱۲). با توجه به اینکه جنگ شناختی معمولاً سعی در القاء احساس ناامیدی و تفرقه در میان مردم دارد، بسیج با برگزاری برنامه‌های مشترک فرهنگی، ورزشی و اجتماعی می‌تواند به تقویت ارتباطات

اجتماعی و هویت ملی کمک کند. این نهاد با جلب مشارکت مردم و سازمان‌دهی فعالیت‌های اجتماعی، می‌تواند نه تنها در تقویت احساس تعلق و هویت ملی مؤثر واقع شود، بلکه احساس همبستگی و تعاون را نیز در برابر تهدیدات مختلف افزایش دهد.

سومین بعد، توانمندسازی نسل جوان است. جوانان به عنوان آینده‌سازان کشور و همچنین به عنوان هدف اصلی جنگ شناختی، نیازمند حمایت و آموزش هستند. بسیج با هدف قرار دادن نسل جوان می‌تواند دوره‌های آموزشی، کارگاه‌ها و اردوهای فرهنگی-علمی را برگزار کند (حاجی‌زاده نباف و مهدیزاده، ۱۳۹۳: صص ۱۵۴-۱۵۵) که ضمن آشنایی آن‌ها با مفاهیم کلیدی امنیت ملی و تهدیدات شناختی، روحیه مقاومت و جهاد را در آن‌ها تقویت نماید. این امر می‌تواند به تقویت هویت ملی و فرهنگی کمک کرده و جوانان را در برابر تهاجمات فرهنگی و شناختی دشمنان مقاوم‌تر کند.

به علاوه، بسیج با همکاری نهادها و سازمان‌های کشوری و لشکری و با ایجاد یک شبکه مؤثر از اطلاعات، می‌تواند به شناسایی سریع‌تر و دقیق‌تر تهدیدات کمک کند و برای مقابله با آن‌ها برنامه‌ریزی کند. همکاری با دیگر نهادها و سازمان‌های جامعه مدنی، می‌تواند به بسیج این امکان را بدهد که با استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود، به یک قدرت مؤثر در مقابله با جنگ شناختی تبدیل شود. این همکاری‌ها می‌تواند شامل تبادل اطلاعات، تجربیات و منابع باشد که به ارتقاء سطح آگاهی عمومی و تقویت انسجام ملی کمک می‌کند.

در نهایت، تأکید بر لزوم تقویت روحیه ملی و آگاهی عمومی در برابر جنگ شناختی، نشان‌دهنده این واقعیت است که بسیج باید به عنوان یک نهاد پیشرو در این حوزه عمل کند و با آگاهی‌سازی و فعال‌سازی جامعه نسبت به خطرات جنگ شناختی، اقدامی مؤثر در راستای تقویت امنیت ملی انجام دهد. بنابراین، در این مقاله به تبیین جایگاه و نقش بنیادین بسیج در این عرصه و ارائه راهکارهای عملی و استراتژیک برای تقویت توانمندی‌های آن پرداخته خواهد شد. از این رو، بررسی جامع و دقیق این نقش، می‌تواند به ایجاد بینشی جدید نسبت به اهمیت بسیج در تقویت امنیت ملی کشور در برابر جنگ‌های شناختی کمک کند و ضرورت توجه و حمایت از این نهاد را در راستای تحقق اهداف امنیتی کشور نشان دهد. در ادامه با توجه به مطالب پیش‌گفت به بررسی عمیق هدف پژوهش پرداخته خواهد شد.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این بخش به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش پرداخته خواهد شد. مبانی نظری به بررسی و توضیح مفاهیم، نظریه‌ها و چارچوب‌های نظری مربوط به موضوع تحقیق می‌پردازد. مبانی نظری

به ایجاد یک چارچوب نظری و منطقی برای تحقیق کمک می‌کند و پیشینه پژوهش زمینه و شواهدی را برای نقد و بررسی موضوع فراهم می‌آورد. وجود هر یک از این بخش‌ها در تحقیق به ایجاد یک پایه قوی و علمی کمک می‌کند و به پژوهشگر کمک می‌کند تا به‌طور دقیق‌تری موضوع را تحلیل کرده و یافته‌های جدیدی ارائه دهد.

## ۱.۲. مبانی نظری پژوهش

از آنجا که مقاله حاضر به تبیین نقش بسیج در تقویت امنیت ملی در مواجهه با جنگ شناختی می‌پردازد، لازم است تا مفاهیم به کارگرفته شده در این مسئله تعریف شوند و ارتباط میان آن‌ها روشن گردد.

الف) مفهوم جنگ شناختی: جنگ شناختی در حال حاضر به عنوان حوزه خاص خود در جنگ مدرن دیده می‌شود. در کنار چهار حوزه نظامی تعریف شده توسط محیط (زمینی، دریایی، هوایی و فضا) و حوزه سایبری که همه آن‌ها را به هم متصل می‌کند، رویدادهای اخیر که توازن قدرت ژئوپلیتیکی را بر هم زده نشان داده است که چگونه این حوزه جنگی جدید ظهور کرده و مورد استفاده قرار گرفته است (کلوری و دوکلوزل، ۲۰۲۲: ص ۱). جنگ شناختی به فرآیندهایی اشاره دارد که در آن اطلاعات به عنوان ابزار اساسی برای تأثیرگذاری بر تفکر، احساسات و رفتارهای یک جامعه یا گروه هدف استفاده می‌شود. این نوع جنگ به‌طور خاص بر روی فهم و ادراک افراد تأثیر می‌گذارد و سعی دارد با تغییر اطلاعات یا نشر اطلاعات غلط، نگرش‌ها و باورهای عمومی را دگرگون کند (حسن پور و حسینی، ۱۴۰۳: ص ۹۱). تهدیدات جنگ شناختی شامل حملات سایبری، جنگ رسانه‌ای، انتشار شایعات، دستکاری داده‌ها و امثالهم است که باعث تضعیف روحیه و انسجام جامعه هدف می‌شود. هدف اصلی جنگ شناختی ایجاد اختلال در روند تصمیم‌گیری و کاهش توان دفاعی روانی و اجتماعی دشمن است. اهمیت این نوع جنگ در دنیای مدرن با پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات به شدت افزایش یافته و مقابله با آن نیازمند هوشیاری و آموزش در زمینه تحلیل اطلاعات و تفکر انتقادی است.

ب) تهدید: <sup>۱</sup> تهدید یکی از مفاهیمی است که در تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی بشر نقش بسزایی دارد. از دوران باستان تا به امروز، تهدید همواره به عنوان یک ابزار برای ایجاد فشار، اجبار یا تحمیل اراده از سوی افراد، گروه‌ها یا دولت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در عرصه سیاسی، تهدید به عنوان یک ابزار استراتژیک برای کسب قدرت و نفوذ به کار می‌رود. دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی با استفاده از تهدیدهای نظامی، اقتصادی یا دیپلماتیک سعی در تحمیل اراده خود بر دیگر

دولت‌ها یا گروه‌ها دارند. تحریم‌های اقتصادی، تهدید به استفاده از نیروی نظامی و تهدید به افزایش اطلاعات حساس سیاسی از جمله ابزارهای تهدید سیاسی هستند. تاثیرات تهدید بر جوامع انسانی بسیار گسترده و پیچیده است. تهدید می‌تواند باعث ایجاد ترس و اضطراب، کاهش اعتماد به نفس و حتی ایجاد اختلالات روانی در افراد شود. در حوزه بین‌المللی، تهدید می‌تواند به تشدید تنش‌ها، آغاز جنگ‌ها و ایجاد ناپایداری سیاسی و اقتصادی منجر شود.

ج) بسیج و امنیت: بسیج یک نهاد اجتماعی و سازمانی انقلابی است که به دستور حضرت امام خمینی (ره) در ۵ آذر سال ۱۳۵۸ تاسیس شد. برخی ماموریت‌های بسیج عبارتند از: جذب، آموزش و سازماندهی ارتش بیست میلیونی و تامین نیروی یگان‌های رزم سپاه، همکاری با ارگان‌ها (از قبیل سوادآموزی، جهادسازندگی، بهداشت و درمان و...)، دفاع محلی و مقاومت مردمی. از طرفی، امنیت یک دستاورد اجتماعی است که نتیجه همکاری و تعامل تمام اعضای جامعه، مسئولین، سازمان‌های مردم‌نهاد و دیگر نهادهای مؤثر با متولیان حوزه امنیت می‌باشد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۹). لذا با توجه به مفهوم بسیج و ماموریت‌های آن و تعریف امنیت، می‌توان رابطه متقابلی میان این دو در نظر گرفت. بسیج به معنای آمادگی و سازمان‌دهی منابع انسانی و مادی برای پاسخ به تهدیدات است و در برابر هرگونه تهدید، از جمله تهدیدهای نظامی یا شناختی، نقش حیاتی دارد. امنیت به حفظ ثبات و آرامش جامعه اشاره دارد که هدف اصلی بسیج نیروها و منابع است. در جنگ شناختی، که تهدیداتی مانند جنگ رسانه‌ای، اطلاعات نادرست و دستکاری ذهنی را در بر می‌گیرد، بسیج مردم و دستگاه‌های مرتبط برای مقابله با این تهدیدات ضروری است تا امنیت روانی و اجتماعی حفظ شود. بنابراین، بسیج به عنوان ابزار عملیاتی، می‌تواند راهکار مناسبی برای مقابله با جنگ شناختی به حساب آید.

د) امنیت ملی: امنیت به عنوان بنیادی‌ترین نیاز هر جامعه و عامل اصلی بقای زندگی اجتماعی مطرح است و از دیرباز توسط صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان مورد توجه قرار گرفته است. استمرار جوامع به امنیت بستگی دارد و در فقدان آن، هرج و مرج و آنارشی<sup>۲</sup> به واقعیت غالب تبدیل می‌شود. امنیت ملی مفهومی نسبتاً جدید است که امنیت را در زمینه مرزهای ملی و به‌طور خاص متمایز از دیگر کشورها تعریف می‌کند. این مفهوم با ظهور «دولت-ملت‌ها» و «دولت‌های ملی» به وجود آمده و به‌طور پیچیده‌ای در گذر زمان و پاسخ به دگرگونی‌های جهانی تحول یافته است. بنابراین، تلاش‌های بسیاری برای تعریف دقیق امنیت و شناخت مفهوم و نهاد امنیت ملی صورت گرفته است. برخی بر این باورند که جامعه زمانی به امنیت دست می‌یابد که هیچ گونه تهدیدی

وجود نداشته باشد؛ به همین خاطر، ناامنی را برای تحقیق در نظر گرفته و بر کنترل آن از طریق تقویت قدرت نظامی تمرکز کرده‌اند. در مقابل، گروهی دیگر امنیت ملی را برابر با وضعیت صلح تعریف می‌کنند و بر این عقیده‌اند که امنیت می‌تواند جنبه تأمینی داشته باشد، به این معنا که نبود تهدید نسبت به منافع ملی یک کشور، به معنای وجود امنیت است (قربان پور، ۱۳۹۷: ص ۱).

مفاهیم فوق‌الذکر ارتباط مستقیم و پیچیده‌ای با یکدیگر دارند. به بیان بهتر، بسیج، امنیت، تهدید و جنگ شناختی مفاهیمی مرتبط با یکدیگرند که تقویت یکی بر دیگری اثرگذار است. بر کسی پوشیده نیست که تقویت بسیج بر کاهش تهدیدات و نتیجتاً تقویت امنیت تاثیرگذار است (فیروزآبادی و فرهادی، ۱۳۸۹: ص ۴۶) و همین امر سبب نتیجه مستقیم بر مقابله با جنگ شناختی می‌گردد.

## ۲.۲. پیشینه پژوهش

۱- حسن محبوب عشرت آبادی و سعید شکوری مغانی در مقاله با عنوان «جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی» (۱۴۰۱) مفاهیم کلی و بنیادی جنگ شناختی از گذشته تا جنگ شناختی مدرن را در عرصه‌های مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار دادند. هدف مقاله ایشان بیشتر مفهوم شناسی جنگ شناختی است.

۲- قدیر نظامی پور و محمود معین الدینی در مقاله «روانشناسی اجتماعی و بسیج ملی» (۱۳۹۷)، به بررسی نقش بسیج در هویت اجتماعی و سیاسی مردم پرداخته‌اند. هدف ایشان از مقاله مذکور بررسی نقش بسیج در بعد اجتماعی جامعه بوده است و می‌توان این پژوهش را ارتباط بسیج با جنگ شناختی در حوزه اجتماعی و آثار بسیج بر آن دانست.

۳- علی محمد احمدوند و احمد قاسمی در مقاله «مدل مفهومی نقش بسیج در حوزه شبکه های اجتماعی مجازی برای تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۴) به بررسی نقش بسیج در امنیت رسانه‌ای کشور پرداخته‌اند.

۴- اسماعیل احمدی مقدم در مقاله با عنوان «راهبرد بسیج در توانمندسازی مقاومت همه جانبه ملی در کشور» (۱۳۹۱) به بررسی نقش بسیج در تقویت امنیت ملی و افزایش اقتدار کشور پرداخته است. ایشان در مقاله مذکور تاثیرات بسیج بر خنثی سازی اهداف دشمن را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

۵- سیدحسن فیروزآبادی و محمد فرهادی در مقاله «بررسی تاثیر فرهنگ بسیجی بر امنیت ملی کشور» (۱۳۸۹) به بررسی نقش فرهنگی بسیج در تقویت امنیت ملی و مواجهه با جنگ شناختی در عرصه فرهنگی پرداخته‌اند.

در پژوهش‌های مذکور بیشتر به بررسی موردی نقش بسیج در امنیت ملی و یا مفهوم شناسی جنگ شناختی پرداخته شده است در حالی که در پژوهش حاضر هدف نگارنده پرداختن به نقش بسیج در تقویت امنیت ملی در ابعاد گوناگون و انواع مواجهه با جنگ شناختی در این ابعاد و آثار مثبت بسیج بر این مقابله است. به بیان بهتر، پژوهشی که به طور جامع به بررسی و تبیین نقش بسیج در تقویت امنیت ملی در مواجهه با جنگ شناختی پرداخته باشد، یافت نشد. لذا مقاله حاضر موضوعاً بدیع به نظر می‌رسد.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به بررسی مسائل پیرامونی بسیج و حوزه جنگ شناختی می‌پردازد و پژوهشی توسعه‌ای - کاربردی به شمار می‌رود. روش تحقیق در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها در این مقاله، روش کتابخانه‌ای است و از مقالات و منابع کتابخانه‌ای، داده‌های متناسب با موضوع با ابزار فیش‌برداری انتخاب شده و به روش توصیفی - تحلیلی مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

### ۴. جنگ شناختی و امنیت ملی

شکل‌گیری مفهوم جنگ شناختی در دهه‌های اخیر به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. این نوع جنگ، به معنای استفاده از ابزارهای شناختی، روانی و اطلاعاتی برای تحت تأثیر قرار دادن تصمیم‌گیری‌ها و باورهای عمومی است. در دنیای امروز که سرعت انتشار اطلاعات و ارتباطات افزایش یافته، جنگ شناختی به یکی از ابعاد کلیدی امنیت ملی تبدیل شده است. در این بخش، به بررسی جنبه‌های مختلف ارتباط جنگ شناختی و امنیت ملی می‌پردازیم و تأثیرات آن بر سیاست‌گذاری‌ها و استراتژی‌های ملی را تحلیل می‌کنیم.

#### ۴.۱. تأثیرات جنگ شناختی بر امنیت ملی

جنگ شناختی، به عنوان یکی از مولفه‌های مهم و پیچیده امنیت ملی، می‌تواند تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورها بگذارد.

الف) تغییر ادراک عمومی: جنگ شناختی به صورت غیرمستقیم می‌تواند ادراک عمومی را تغییر دهد و بر نظریات، باورها و رفتارهای شهروندان تأثیر بگذارد. این تغییرات به طور خاص در زمان بحران‌ها و ناآرامی‌ها احساس می‌شود. برای مثال، در مواقعی که بحران‌های سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی به وجود می‌آید، برخی گروه‌ها می‌توانند با استفاده از ابزارهای جنگ شناختی، روایت‌های خاصی را به اشتراک بگذارند که اعتمادی که قبلاً به نهادهای دولتی یا مسئولین وجود داشت را کاهش می‌دهد. این نوع تغییرات می‌تواند منجر به ایجاد و گسترش نارضایتی عمومی، نفرت‌ها و اصطکاک‌های اجتماعی شود. زمانی که ادراک عمومی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، درگیری‌های داخلی و ناآرامی‌های اجتماعی بیشتر به وقوع می‌پیوندد و اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی و امنیتی کاهش می‌یابد. این کاهش اعتماد نه تنها موجب آسیب به نهادهای عمومی می‌شود، بلکه می‌تواند به تقویت گروه‌های تندرو و افراطی نیز منجر شود، که به نوبه خود تهدیدی جدی برای امنیت ملی به شمار می‌رود (مبینی کشه و امینی، ۱۴۰۳: ص ۵۴).

ب) فضای سایبری و جنگ اطلاعاتی: فضای سایبری به عنوان بستر جدیدی برای جنگ شناختی مطرح شده است. رشد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، زمینه‌ساز ایجاد بسترهای جدیدی برای تبادل اطلاعات و تبلیغات است. کشورهای مختلف و گروه‌های غیر دولتی می‌توانند به راحتی در این فضا عملیات جنگ شناختی انجام دهند و از سوی دیگر، شکاف‌ها و نقاط ضعف جامعه را شناسایی کرده و از آن‌ها بهره‌برداری کنند. جنگ اطلاعاتی، یکی از مظاهر جنگ شناختی است که در آن اطلاعات نادرست، شایعات، و تبلیغات به سرعت منتشر می‌شوند و می‌توانند به تفرقه‌افکنی و ایجاد نگرانی در جامعه منجر شوند. حملات سایبری می‌توانند به زیرساخت‌های حیاتی کشورها آسیب برسانند و موجب خروج اطلاعات حساس و عدم اطمینان در میان نیروهای نظامی و امنیتی شوند. چنین وضعیتی می‌تواند بر عملکرد آنها در مواجهه با تهدیدات خارجی تأثیر منفی بگذارد و به تضعیف قدرت دفاعی یک کشور بینجامد. علاوه بر این، ایجاد ناامنی در فضای سایبری می‌تواند به نهادها و جوامع آسیب‌پذیری جدی وارد کند و در نهایت به یک بحران ملی منجر شود (شاملو و رضازاده، ۱۴۰۳: ص ۱۱۵).

ج) تغییر ادراک عمومی نسبت به تهدیدات: جنگ شناختی همچنین می‌تواند موجب تغییر درک مردم از تهدیدات خارجی شود. بعضی از قدرت‌ها می‌توانند با استفاده از انواع مختلف روایت‌ها، یک دشمن خاص یا تهدید خاصی را به جنبه‌های مختلف زندگی ملی نسبت دهند. برخورداری از یک روایت واحد و منطقی درباره تهدیدات خارجی می‌تواند به تحکیم همبستگی ملی و حمایت از سیاست‌های امنیتی کمک کند. اما در مقابل، ممکن است که این نوع روایت‌سازی‌ها به بزرگ‌تر شدن تهدیدات مجازی و خیالی منجر شود و نگرانی‌های بی‌اساسی را در میان مردم ایجاد کند. این

نگرانی‌ها می‌تواند منجر به ترس و وحشت در جامعه شود و خواسته‌های امنیتی طلبکارانه‌ای را به وجود آورد که ممکن است هم زیربنای اجتماعی و هم سیاسی را تضعیف کند. این نوع دوری از واقعیت و تمرکز بر تهدیدات علمی و غیرواقعی می‌تواند در نهایت به اتخاذ تصمیمات نادرست و هزینه‌بر برای کشور منجر شود.

تأثیرات جنگ شناختی بر امنیت ملی نه تنها به تغییرات در ادراکات عمومی، بلکه به ساختار کلی امنیت و انسجام اجتماعی یک کشور وابسته است. تقویت دانش و سواد رسانه‌ای در جامعه، توانمندسازی نهادهای دولتی برای برخورد با اطلاعات نادرست، و ایجاد همکاری‌های بین‌المللی برای مبارزه با تهدیدات شناختی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی جنگ شناختی کمک کند. با توجه به گسترش استفاده از ابزارهای دیجیتال و فضای مجازی، کشورها به طور فزاینده‌ای نیازمند استراتژی‌های مؤثری برای مقابله با جنگ شناختی و حفاظت از امنیت ملی خود هستند.

#### ۲.۴. ابزارهای جنگ شناختی

جنگ شناختی به عنوان یک مفهوم مدرن و پیچیده، از مجموعه‌ای از ابزارها و تکنیک‌ها بهره‌مند است که با هدف تحت تأثیر قرار دادن ادراکات، باورها و رفتارهای هدف قرار داده شده، به کار می‌روند. این ابزارها به معنای تسلط بر افکار و احساسات جامعه و تغییر آن‌ها از طریق اطلاعات و روایت‌ها هستند. در ادامه به بررسی اصلی‌ترین ابزارهای جنگ شناختی و تأثیرات آن‌ها می‌پردازیم:

الف) تبلیغات و روایت‌سازی: تبلیغات به عنوان یکی از ابزارهای پایه‌ای جنگ شناختی، شامل هرگونه ارائه یک پیام یا روایت به منظور تأثیرگذاری بر افکار و عقاید مردم است. این ابزار به احتمال زیاد در جنگ‌ها و بحران‌های سیاسی به کار می‌رود و می‌تواند شامل پیام‌های مثبت، منفی یا حتی اطلاع‌رسانی باشد. یک مثال بارز از تبلیغات جنگ شناختی، استفاده از رسانه‌ها برای ساخت تصورات خاص درباره یک کشور، قوم یا گروه خاص است. به‌عنوان نمونه، کشورهای متخاصم می‌توانند از تبلیغات منفی علیه یک کشور خاص استفاده کنند تا آن کشور را به عنوان یک تهدید معرفی کنند. این نوع روایت‌سازی می‌تواند به افزایش خصومت‌ها و تنش‌ها بین ملت‌ها منجر شود. در عین حال، تبلیغات می‌توانند تأثیر مثبتی نیز داشته باشند، با ایجاد احساسات مثبت در مورد هویت ملی یا تحریک حس همبستگی اجتماعی. در شرایط بحرانی، استفاده از تبلیغات می‌تواند به ایجاد روحیه مثبت و افزایش اعتماد به نفس در میان افراد کمک کند.

ب) استفاده از شبکه‌های اجتماعی: شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از بسترهای مؤثر جنگ شناختی مطرح شده‌اند. این پلتفرم‌ها با سرعت و گستردگی بالا، اطلاعات و ایده‌ها را به طور

گسترده و سریع در میان افراد منتشر می‌کنند. در دنیای دیجیتال کنونی، جنگ شناختی به طور قابل توجهی وابسته به توانایی از کنترل و استفاده از شبکه‌های اجتماعی است. گروه‌های مختلف می‌توانند از شبکه‌های اجتماعی برای گسترش شایعات و اطلاعات نادرست بهره‌برداری کنند. شایعات می‌توانند به طور ویروسی انتشار یابند و به سرعت تأثیرات منفی بر روی ادراکات عمومی و فضای اجتماعی بگذارند. به‌ویژه، در زمان بحران‌ها یا انتخابات، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای انتشار اطلاعات غلط و کاذب می‌تواند به ایجاد سردرگمی و بی‌اعتمادی در جامعه منجر شود. علاوه بر این، شبکه‌های اجتماعی بستر مناسبی برای برقراری گفتگوها و تبادل نظر بین افراد ایجاد می‌کنند. با وجود این، می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای تحریک احساسات و برانگیختن واکنش‌های افرادی که در شرایط خاصی هستند نیز عمل کنند.

ج) جنگ روانی: جنگ روانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های حیاتی جنگ شناختی، به این معناست که یک طرف با استفاده از ابزارهای روانی و اطلاعاتی به تضعیف روحیه و اعتماد به نفس دشمن بپردازد. این نوع جنگ معمولاً از طریق ایجاد ترس، نگرانی، و آشفتگی در میان جمعیت‌های هدف انجام می‌شود. استفاده از اخبار نادرست، پیش‌بینی‌های بدبینانه، و اطلاعات غلط در مورد تهدیدات ممکن است به ایجاد هراس در جامعه بی‌انجامد. ترس می‌تواند به اعمالی منجر شود که به تقویت کنترل اجتماعی و تقویت حکمرانی مستبدانه کمک کند. این رویکرد می‌تواند منجر به کاهش مقاومت در برابر تهدیدات بالقوه و خشک‌سازی فعالیت‌های مخرب داخلی شود. جنگ روانی همچنین شامل ایجاد نارضایتی در میان نیروهای نظامی و سیاسی دشمن است. به طور مثال، القای پیام‌های منفی و اطلاعات خام درباره کمبودها یا مشکلات در فرآیندهای نظامی می‌تواند روحیه نظامیان دشمن را تضعیف کرده و عملکرد آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (پورطهماسبی و تاجور، ۱۳۸۸: ص ۱۰۹).

د) روانشناسی اجتماعی: استفاده از داده‌ها و تحلیل‌های روانشناسی اجتماعی به منظور طراحی و اجرای استراتژی‌های جنگ شناختی، بسیار مؤثر است. با تجزیه و تحلیل داده‌های اجتماعی، گروه‌ها می‌توانند نیازها، خواسته‌ها و دغدغه‌های جامعه هدف را شناسایی کنند و بر اساس آن‌ها پیام‌ها و رویکردهای خود را طراحی کنند. این ابزارها می‌توانند به گروه‌ها این امکان را بدهند که احساسات مشترکی را در میان مردم شناسایی کرده و آن‌ها را به مدیریت و تغییر احساسات عمومی هدایت کنند. به‌عنوان مثال، از طریق مطالعه بر روی واکنش‌های اجتماعی یا ترس‌ها، یک طرف می‌تواند اقداماتی انجام دهد که به طور خاص بر روی نقاط ضعف روانشناختی جمعیت هدف تأثیر بگذارد. در این راستا، با استفاده از تحلیل عمیق داده‌ها، گروه‌ها می‌توانند به شکل مؤثری برنامه‌ها و

پیام‌های جنگ شناختی خود را سفارشی‌سازی کرده و به نشر اطلاعات تأثیرگذار و هیجان‌انگیز بپردازند.

سازمان‌ها و کشورها برای مواجهه با چالش‌های جنگ شناختی، نیازمند به کارگیری مجموعه‌ای از ابزارهای متنوع و استراتژیک هستند. از تبلیغات و روایت‌سازی گرفته تا استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تحلیل داده‌ها، هر کدام از این ابزارها می‌توانند به‌طور مؤثری بر روی تفکر و رفتار جامعه هدف تأثیر بگذارند. در دنیای امروز که اطلاعات در کسری از ثانیه منتشر می‌شوند، فهم و مدیریت این ابزارها برای ایجاد فضایی امن و مستحکم در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ضروری است (عراقی و همکاران، ۱۴۰۱: ص ۲۷۰).

#### ۳.۴. تهدیدات ناشی از جنگ شناختی

جنگ شناختی به عنوان یک روش مدرن برای اثرگذاری بر افکار و رفتار مردم، برای کشورهای هدف و جوامع چالش‌ها و تهدیدات جدی به ارمغان می‌آورد. این تهدیدات می‌توانند ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورها را به چالش بکشند. در ادامه به بررسی چالش‌ها و تهدیدات اصلی ناشی از جنگ شناختی، از جمله تضعیف اعتماد عمومی، تفرقه‌افکنی اجتماعی، تغییر در سیاست‌گذاری‌ها و تهدیدات اقتصادی به تفصیل پرداخته می‌شود.

الف) تضعیف اعتماد عمومی: یکی از بزرگترین چالش‌های جنگ شناختی، تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و رسانه‌هاست. در عصر اطلاعات، با افزایش حجم اطلاعات و شایعات، تشخیص واقعیت از دروغ به امری دشوار تبدیل شده است. جنگ شناختی می‌تواند با انتشار اطلاعات نادرست، همراه‌کننده یا مغرضانه به کاهش اعتبار و حس اعتماد به نهادهای عمومی منجر شود. این موضوع به طور خاص در زمان‌های بحران، مانند انتخابات، شیوع بیماری‌ها، یا بحران‌های اجتماعی تأثیرگذار است. زمانی که مردم به اطلاعاتی که از نهادهای رسمی دریافت می‌کنند اعتماد نکنند، این عدم اعتماد می‌تواند پیامدهای وخیمی داشته باشد. اعتماد عمومی به دولت کاهش می‌یابد و اختلال در کارکرد نهادهای دولتی و نظام‌های اجتماعی بوجود می‌آید، زیرا افراد ممکن است از فعالیت‌های همگانی پرهیز کنند یا به طور فعال در برابر سیاست‌های دولتی مقاومت کنند. ارزش‌های دموکراتیک تضعیف‌شده و مردم ممکن است به سمت گروه‌های افراطی با روایت‌های جذاب تری رو بیاورند.

ب) تفرقه افکنی اجتماعی: جنگ شناختی می‌تواند به شدت به تفرقه‌افکنی اجتماعی دامن بزند. در جوامع متنوع و چندنژادی، این نوع جنگ می‌تواند با ایجاد شکاف‌های جدید یا تیز کردن شکاف‌های موجود، به تضعیف انسجام اجتماعی منجر شود. با هدف ایجاد و تقویت دشمنی میان

افشار مختلف جامعه، روایت‌هایی به اشتراک گذاشته می‌شوند که باعث انزوا یا بی‌اعتمادی درمیان گروه‌های مختلف می‌شود. این نوع تفرقه‌افکنی ممکن است به خشونت‌های داخلی، ناآرامی‌های اجتماعی و حتی جنگ‌های داخلی منجر شود. به ویژه هنگامی که جنگ شناختی با تنش‌های قومی، مذهبی یا فرهنگی ترکیب می‌شود، تأثیرات آن می‌تواند ویرانگر باشد و به شدت به ساختار اجتماعی یک کشور آسیب برساند. به طور نمونه، در مواقع بحرانی، استفاده از روایت‌های قطبی‌کننده که گروه‌های خاصی را به عنوان مقصر یا تهدید توصیف می‌کنند می‌تواند به درگیری‌های فیزیکی، به ویژه در شهرهای بزرگ، منجر شود. این درگیری‌ها افزایش ناآرامی و بی‌ثباتی را در جامعه به همراه خواهد داشت.

ج) تاثیر بر سیاست‌گذاری‌ها: جنگ شناختی می‌تواند به طور جدی بر فرآیندهای سیاست‌گذاری تأثیر بگذارد. با توجه به اینکه اطلاعات غلط می‌تواند به عنوان داده‌های معتبر مورد استفاده قرار گیرد، سیاست‌گذاران ممکن است تصمیمات نادرستی بگیرند که بر اساس تحلیل‌های نادرست یا اطلاعات نادرست اتخاذ شده‌اند. این کار می‌تواند موجب بدتر شدن اوضاع موجود و حتی ایجاد بحران‌های جدی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شود. علاوه بر این، فشارهای عمومی ایجاد شده توسط جنگ شناختی می‌تواند بر روش‌های حکمرانی و تصمیم‌گیری اثر بگذارد. سیاست‌گذاران ممکن است بنا به فشارهای اجتماعی یا داستان‌های نادرستی که از طریق رسانه‌ها منتشر می‌شوند، به تغییر سیاست‌های خود اقدام کنند. این نوع تغییرات نه تنها می‌تواند منجر به عدم ثبات سیاسی شود، بلکه می‌تواند به کاهش مؤثرترین اقداماتی که برای حل مشکلات واقعی جامعه مورد نیاز است، منجر شود.

د) تهدیدات اقتصادی: جنگ شناختی به ایجاد تقاضاهای کاذب و ناپایدار در بازارهای اقتصادی متصل است و می‌تواند به اقتصاد یک کشور آسیب برساند. اطلاعات نادرست درباره وضعیت اقتصادی یک کشور، مانند اظهارات شایعه‌پراکنی در مورد رکود اقتصادی یا ایجاد ترس از ورشکستگی می‌تواند به رفتارهای مناسبی منتهی شده و توانایی نهادهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. در برخی موارد، شرکت‌ها و کسب‌وکارها ممکن است به دلیل جنگ شناختی با افت شدید تقاضا برای محصولات خود مواجه شوند یا حتی به کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌ها و خروج سرمایه منجر شوند. این وضعیت می‌تواند موجب ایجاد بیکاری و ناپایداری در سطح جامعه شود و به نوبه خود موجب نارضایتی عمومی و خصومت در جامعه گردد. علاوه بر این، تهدیدات اقتصادی ناشی از جنگ شناختی می‌تواند به تضعیف زیرساخت‌های حیاتی اقتصادی منجر شود. هنگامی که جنگ شناختی توجه کنشگران اقتصادی را به سمت شکایات بی‌اساس یا بحران‌های کاذب معطوف کند، امکان تمرکز بر روی پروژه‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های بنیادی کاهش می‌یابد.

چالش‌ها و تهدیدات ناشی از جنگ شناختی می‌توانند منجر به تحولات عمیق و مخرب در ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورها شوند. تضعیف اعتماد عمومی، تفرقه‌افکنی اجتماعی، اثرات منفی بر سیاست‌گذاری‌ها و تهدیدات اقتصادی تنها برخی از عواقب این نوع جنگ هستند. از این رو، کشورهای مختلف باید به تقویت نهادهای مرجع، آموزش سواد رسانه‌ای به شهروندان و ارتقاء همبستگی اجتماعی توجه داشته باشند تا در برابر این تهدیدات محافظت شوند. در نهایت، بکارگیری رویکردی هوشمندانه و یکپارچه نسبت به جنگ شناختی می‌تواند به کاهش تأثیرات و هدایت جامعه به سمت ثبات و امنیت کمک کند.

## ۵. بسیج و امنیت ملی

بسیج به‌عنوان یک نهاد مردمی و انقلابی در ایران از همان ابتدای تأسیس خود، در پی تحقق اهدافی کلیدی برای تقویت امنیت ملی و ایجاد یک جامعه مستحکم و متحد بوده است. نقش بسیج در امنیت ملی به‌حدی حائز اهمیت است که می‌توان آن را از زوایای گوناگون بررسی کرد. بسیج با ایجاد همبستگی و انسجام ملی، نقاط ضعف اجتماعی و اقتصادی را شناسایی کرده و با برگزاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، توانمندی‌های داخلی را تقویت می‌کند. این نهاد به تعبیری پلی است میان دولت و مردم و به‌عنوان یک واسطه قدرتمند، منافع ملی را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی حفاظت می‌کند. در فضای پرتلاطم کنونی، بسیج می‌تواند به‌عنوان یک عنصر کلیدی در ایجاد تاب‌آوری اجتماعی عمل کند. بخصوص در شرایطی که تهدیدات غیرمتعارف و جنگ‌های شناختی ظهور یافته‌اند، بسیج می‌تواند با تقویت هویت ملی و فرهنگ عمومی، به‌ویژه در بین جوانان، نقشی اساسی در مقابله با چالش‌های اطلاعاتی و روانی ایفا کند.

یکی از تهدیدات برجسته در دنیای امروز، جنگ‌های شناختی است که با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و اطلاعاتی، هدف قرار دادن افکار عمومی و تضعیف باورهای ملی را دنبال می‌کند. بنابراین، بسیج با افزایش آگاهی بخشی و ارائه اطلاعات صحیح می‌تواند به‌عنوان یک سپر محافظتی در برابر این تهدیدات عمل کند. همچنین با توجه به اهمیت همکاری میان تمام نهادهای اجتماعی، بسیج باید در راستای تقویت این همکاری‌ها گام بردارد. ایجاد همکاری‌های نزدیک با نهادهای دیگر از جمله ارتش، پلیس و سازمان‌های اجتماعی می‌تواند به تبادل تجربیات و بهبود عملکرد در زمینه امنیت ملی منجر شود. از سویی دیگر، در مواقع بحران، بسیج به سرعت واکنش نشان می‌دهد و با ارائه خدمات انسانی و امدادی به آسیب‌دیدگان، ضمن توجه به جوانب روحی و روانی جامعه آسیب‌دیده، نشان می‌دهد که می‌تواند به‌عنوان یک نهاد مؤثر در کمک‌رسانی و مصون‌سازی جامعه عمل کند.

دو مورد دیگر از چالش‌هایی که بسیج ممکن است با آن مواجه شود، محدودیت‌های مالی و تنش‌های اجتماعی هستند. در مواقع بحران‌های اقتصادی، بسیج ممکن است با کمبود منابع و امکانات مواجه شود که می‌تواند بر توانمندی آن تأثیر منفی بگذارد. از این رو، نیاز به تأمین منابع مالی پایدار و حمایت از نیروی انسانی در بسیج به‌عنوان یک ضرورت قابل توجه مطرح است. همچنین، در سراسر تاریخ، وجود تنش‌ها و اختلافات سیاسی و اجتماعی می‌تواند به تضعیف بسیج منجر شود و کارایی آن را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، بسیج باید به‌طور مستمر بر روی تقویت دیالوگ و درک متقابل میان گروه‌های مختلف اجتماعی تمرکز کند. فراتر از این، بسیج باید به‌دنبال توانمندسازی خود در فضای سایبری باشد؛ چراکه دنیای امروز به شدت تحت تأثیر فضای مجازی و حملات سایبری قرار دارد. این نهاد می‌تواند با سرمایه‌گذاری در تکنولوژی و افزایش آموزش‌های مربوط به امنیت سایبری، به تقویت زیرساخت‌های خود بپردازد و در مقابل تهدیدات سایبری ایستادگی کند.

از سویی، با توجه به اینکه جوانان به‌ویژه در فضای مجازی فعال هستند، بسیج باید بتواند با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، استفاده مؤثری از پلتفرم‌های آنلاین داشته باشد و اطلاعات صحیح را به جامعه منتقل کند. به همین ترتیب، با گسترش نفوذ رسانه‌های دولتی و خصوصی، بسیج می‌تواند به‌عنوان یک نهاد تأثیرگذار در تولید محتواهای رسانه‌ای عمل کند تا هم به ترویج فرهنگ ملی بپردازد و هم بر نگرش‌های منفی که به‌طور عمدی یا ناخواسته در جامعه رواج یافته، غلبه کند. بسیج باید تلاش‌های خود را در راستای ایجاد فضایی برای مشارکت فعال اقشار مختلف جامعه مدیریت کند. چون همکاری و مشارکت داوطلبانه مردم، خود عاملی برای تقویت اعتماد اجتماعی و حس مسئولیت‌پذیری در جامعه خواهد بود (الیاسی و خرم دشتی، ۱۳۸۹: ص ۱۴۴).

فراموش نکنیم که بسیج علاوه بر اینکه کارکردهای نظامی و امنیتی دارد، می‌تواند به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، در بهبود کیفیت زندگی مردم و تحقق عدالت اجتماعی در جامعه سهیم باشد. بسیج همچنین باید با تأکید بر اصول اخلاقی و انسانی، تلاش کند تا از طریق تعامل با جامعه، به ایجاد فضایی امن و صلح‌آمیز کمک کند؛ زیرا یکی از مؤلفه‌های اصلی تأمین امنیت ملی، احساس امنیت و رضایت مردم از این نهاد است. در این راستا، بسیج باید بر روی ایجاد پل‌های ارتباطی مؤثر با گروه‌های مختلف اجتماعی و طیف‌های گوناگون سیاسی و مذهبی تأکید کند. ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در برابر امنیت ملی باید به یک فرهنگ تبدیل شود که نه‌تنها در میان بسیجیان، بلکه در کل جامعه نهادینه شود. به‌گونه‌ای که هر فردی در جامعه امنیت ملی را به‌عنوان مسئولیتی مشترک در نظر بگیرد. در همین راستا باید آموزش‌های مؤثری در راستای آشنایی افراد با نیازها و چالش‌های امنیتی جامعه برگزار شود تا بتوانند خود را به‌عنوان سفیران امنیت ملی تلقی

کنند. مثلاً برگزاری کمپین‌های اطلاع‌رسانی و استفاده از تصاویر، یادداشت‌ها و آثار هنری می‌تواند به جلب توجه و مشارکت عمومی کمک کند.

وجود یک بسیج هوشمند، کارآمد و پیشرو که به صورت دائمی در حال آموزش و یادگیری باشد، می‌تواند در مواجهه با چالش‌های جدید مؤثر واقع شود. استمرار در تقویت بعد اطلاعاتی بسیج، از طریق ایجاد سامانه‌های جامع و یکپارچه اطلاعاتی، می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های امنیتی کمک کند. همچنین باید به افزایش توانمندی‌های بسیج در زمینه‌های اطلاعاتی و نظامی توجه جدی شود تا با تغییرات و چالش‌های جدید به خوبی آشنا و آماده باشند. بسیج با توجه به این اهداف و چالش‌ها می‌تواند در راستای تأمین امنیت ملی به‌عنوان یک نهاد پیشرو، نقش اساسی ایفا کند. در نتیجه، برای تحقق این اهداف، بسیج نیازمند سیاست‌های کلان‌تری است که بتواند به‌طور همزمان هم به تقویت امنیت داخلی پرداخته و هم به ملاحظات و نیازهای مناطق مختلف کشور پاسخگو باشد. این رویکرد لازمه‌ای برای ایجاد یک بسیج قوی و مؤثر در تمامی زمینه‌ها است که در نهایت می‌تواند منجر به تقویت و تحکیم امنیت ملی کشور شود. بدین ترتیب، بسیج باید به عنوان یک نهاد پایدار، با هماهنگی بین تمامی نهادها و سازمان‌ها، به دنبال یکپارچه‌سازی فعالیت‌ها و بهبود وضعیت امنیتی جامعه باشد.

## ۶. نتیجه‌گیری

نقش بسیج در تأمین امنیت ملی کشور از زمان تأسیس آن تا کنون به‌طور قابل‌توجهی ارتقاء یافته و به یک نهاد اجتماعی-فرهنگی و امنیتی تبدیل شده است که نمی‌توان از آن به سادگی گذشت. بسیج در بستر تاریخ معاصر ایران به‌عنوان یک قدرت عمل کرده است و با اهدافی از قبیل ایجاد انسجام ملی، حفاظت از استقلال و تمامیت ارضی کشور و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، توانسته است جایگاه ویژه‌ای در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران به دست آورد. در دنیای کنونی که با چالش‌های متنوع و پیچیده‌ای از جمله جنگ‌های شناختی، هجمه‌های سایبری و بحران‌های اجتماعی مواجه است، بسیج می‌تواند با فراتر رفتن از وظایف نظامی و انتظامی خود، به نیرویی تأثیرگذار در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز تبدیل شود.

بسیج باید به‌عنوان یک نهاد موجود در دل جامعه، ظرفیت‌های خود را در راستای پاسخگویی به تهدیدات نوظهور افزایش دهد و در این مسیر نیازمند ارزیابی مستمر، بهینه‌سازی عملکردها و پذیرش نوآوری‌های لازم است. امروزه، با گسترش استفاده از فناوری‌های نوین و ارتباطات، چالش‌هایی همچون جنگ‌های شناختی و حملات سایبری مورد توجه بیشتری قرار گرفته‌اند. این تهدیدات می‌توانند بر روی افکار عمومی و باورهای ملی تأثیر بسزایی بگذارند. بنابراین، بسیج باید

در راستای مقابله با این تهدیدات، آگاهی‌بخشی را در اولویت قرار دهد و از طریق ایجاد برنامه‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی در جامعه، مردم را نسبت به این خطرات هوشیار کند.

در سال‌های اخیر، مفهوم امنیت ملی به‌ویژه به‌دلیل پیشرفت فناوری و تغییرات اجتماعی در حال تحول و تعمیق است. با گسترش جنگ‌های شناختی، که در آن اطلاعات و تبلیغات به‌عنوان ابزارهایی برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی، تضعیف اعتبار نهادها و ایجاد شکاف در جامعه استفاده می‌شوند، بسیج به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و امنیتی، نقش محوری و اساسی در تقویت امنیت ملی ایفا می‌کند. این ضرورت به‌وضوح در شرایط کنونی کشورهایمانند ایران، که در معرض تهدیدات مختلف به‌ویژه از جانب رسانه‌های بیگانه و تبلیغات معاند قرار دارند، نمایان است. بسیج به‌عنوان یک نهاد مردمی می‌تواند با بهره‌گیری از ساختار اجتماعی خود، به مقابله با جنگ‌های شناختی و تهدیدات اطلاعاتی بپردازد. این نهاد وظیفه دارد تا با آموزش و آگاه‌سازی جامعه، بتواند مقاومت افکار عمومی را در برابر حملات شناختی افزایش دهد. بسیج باید به‌طور فعالانه به بسیج و سازمان‌دهی نیروهای مردمی بپردازد و از طریق برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی، توانمندی‌های لازم را به مردم در زمینه تشخیص اخبار واقعی از شایعات و اطلاعات نادرست انتقال دهد.

همچنین، بسیج می‌تواند با ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطی قوی، به‌عنوان یک مرجع معتبر در حوزه اطلاعات عمل کند. به‌ویژه در دوره‌های بحرانی، اطلاع‌رسانی دقیق و سریع می‌تواند به کاهش اضطراب اجتماعی و حفظ همبستگی ملی کمک کند. بسیج همچنین باید با همکاری با رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی، بتواند نسبت به تولید محتوای مفید و مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی کشور فعال باشد و به این ترتیب آسیب‌پذیری جامعه را در برابر تهدیدات شناختی کاهش دهد. نقش بسیج تنها به مقابله با تهدیدات خارجی محدود نمی‌شود. این نهاد باید به مسائل درونی و چالش‌های اجتماعی نیز توجه کند و به‌واسطه ایجاد بسترهای گفت‌وگو، به تقویت انسجام اجتماعی و محوریت موضوعات ملی بپردازد. به‌عنوان مثال، بسیج می‌تواند با برگزاری همایش‌های عمومی و فعالیت‌های فرهنگی، بستری فراهم آورد که افراد از اقشار مختلف جامعه بتوانند نظرات و دغدغه‌های خود را مطرح کنند و در پی آن، حس مشارکت و تعلق اجتماعی را در میان مردم تقویت کند.

از سوی دیگر، تقویت توانایی‌های رسانه‌های بسیج در عصر دیجیتال امری حیاتی است. با گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، بسیج می‌تواند با ایجاد کانال‌های رسمی و معتبر، به تولید و انتشار محتوایی بپردازد که به ترویج فرهنگی مثبت می‌انجامد و به‌منظور ارائه تفسیرها و تحلیل‌های واقع‌گرایانه از رویدادها نسبت به اخبار و اطلاعات نادرست، نقشی کلیدی ایفا کند. این

اقدام موجب می‌شود تا بسیج بتواند به‌عنوان یک منبع اصلی اطلاعاتی در برابر تهدیدات شناختی عمل کند و از تضعیف وحدت ملی و انسجام اجتماعی جلوگیری نماید. در این راستا، بسیج باید با تحلیل محتوای رسانه‌های معاند و شناسایی راهکارهای نفوذ آنها، با تشریح نقاط ضعف و قدرت در مقابل حملات اطلاعاتی، راهکارها و استراتژی‌های مؤثری برای مقابله با این حملات تدوین کند. بخش دیگری از وظایف بسیج، شناسایی و حمایت از نخبگان و فعالان رسانه‌ای در زمینه تولید محتواهای سازنده و ارتقاء سطح آگاهی جامعه است. بسیج باید با برقراری ارتباط مؤثر با نخبگان، استفاده از تخصص آنان را در راستای تقویت پاسخ‌های اجتماعی بر عهده بگیرد و به این ترتیب به ایجاد یک فضای باز و سالم برای تبادل نظر و اطلاعات کمک کند.

## ۷. پیشنهادها

۱. ایجاد دوره‌های آموزشی: بسیج باید دوره‌هایی را برای آموزش تشخیص اخبار درست و نادرست و آگهی‌های جمعی برای مبارزه با جنگ‌های شناختی برگزار کند. این دوره‌ها می‌تواند به افراد کمک کند تا با امکانات و ابزارهای ساده، خود را در برابر اطلاعات نادرست محافظت نمایند.
  ۲. توسعه کانال‌های رسانه‌ای رسمی: بسیج باید کانال‌های رسمی و معتبر خود را در شبکه‌های اجتماعی راه‌اندازی کند و به صورت مستمر محتواهای آموزنده و تحلیلی را منتشر کند.
  ۳. برگزاری همایش‌های عمومی و فرهنگی: این همایش‌ها می‌توانند به‌عنوان فضایی برای تبادل نظر بین قشرهای مختلف اجتماعی عمل کنند و موجب تقویت هوشیاری مردم شوند.
  ۴. همکاری با نهادهای علمی و پژوهشی: بسیج باید با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی همکاری کرده و از تحلیل‌های علمی برای شکل‌دهی به استراتژی‌های فرهنگی و اجتماعی خود استفاده کند.
  ۵. تحلیل و رصد محتوای رسانه‌های خارجی: شناسایی و تحلیل محتوای رسانه‌های بیگانه و مطرح کردن نقاط ضعف آنها به‌عنوان بخشی از برنامه‌های بسیج، می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی کمک کند.
  ۶. تقویت حس همبستگی ملی: بسیج باید در راستای تقویت حس همبستگی ملی در جامعه تلاش کرده و بسترهایی را برای مشارکت جامعه در برنامه‌ها و فعالیت‌های ملی فراهم آورد.
- با تأکید بر این نکات و راهکارها، بسیج می‌تواند به‌طور مؤثر در تقویت امنیت ملی در مواجهه با جنگ‌های شناختی و تهدیدات اطلاعاتی عمل کند. بدین ترتیب، نهاد بسیج با تمرکز بر نهادینه‌سازی فرهنگ آگاهی‌سازی و مشارکت عمومی، می‌تواند نقشی کلیدی در حفظ وحدت ملی و ارتقاء امنیت اجتماعی ایفا کند و از این طریق به تقویت پایه‌های امنیت ملی کشور کمک کند.

## منابع

### الف) منابع فارسی

- ۱- الیاسی، محمدحسین و خرم دشتی، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر فعالیت‌های فرهنگی بسیج در غنی سازی اوقات فراغت جوانان استان اصفهان»، مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، شماره ۶۳، صص ۱۳۵-۱۶۵.
- ۲- پورطهماسبی، سیاوش و تاجور، آذر (۱۳۸۸)، «رسالت رسانه‌ها در برقراری امنیت ملی»، فصلنامه حصون، شماره ۱۹، صص ۱۰۲-۱۱۸.
- ۳- پیروندزیری، اشرف السادات (۱۴۰۰)، «نقش بسیج در ایجاد همدلی و انسجام اجتماعی در جامعه»، هفتمین کنفرانس ملی مطالعات مدیریت در علوم انسانی، برگزار شده در ۱۴ اسفند توسط موسسه آموزش عالی ادیب مازندران، تهران: تهران.
- ۴- حاجی‌زاده نواف، صادق و مهدیزاده، عفت سادات (۱۳۹۳)، «بررسی دیدگاه بسیجیان در مورد نقش بسیج محالت در ارتقای سطح علمی- فرهنگی اعضای بسیج»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، دوره ۱۷، شماره ۶۲، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- ۵- حسن پور، حسین و حسینی، سیدمحسن (۱۴۰۳)، «طراحی مدل دوفراآیندی جنگ شناختی ارزشی با رویکرد هیجانی در جامعه»، نشریه علمی روانشناسی نظامی، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۹۱-۱۱۷.
- ۶- حسینی، حسین و علوی وفا، حمید و ریاحی، محمدمهدی (۱۳۹۶)، «نقش فرماندهان حوزه‌های مقاومت بسیج در مدیریت امنیتی محلات»، مطالعات مدیریت بحران، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۹-۲۶.
- ۷- خلیقی، نسیم (۱۴۰۳)، «بررسی نقش و تأثیر جنگ شناختی بر سلامت روان در بحران‌های اجتماعی»، همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین اولین همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین، صص ۲۳۲۷-۲۳۳۴.
- ۸- شاملو، رضا و رضازاده، مصطفی (۱۴۰۳)، «شناسایی و اولویت‌بندی کارکردهای سیاسی فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی) در جنگ شناختی»، راهبرد دفاعی، شماره ۸۵، صص ۱۰۵-۱۲۹.
- ۹- عراقی، عبدالله و بیدگلی، محمد و رجبی ده برزوئی، اصغر (۱۴۰۱)، «واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های قرآن»، مطالعات دفاع مقدس، شماره ۳۲، صص ۲۵۹-۲۷۸.
- ۱۰- عمیدی، عبدالله (۱۳۸۵)، «بسیج رسانه است؛ درآمدی بر نگاه رسانه‌ای به بسیج»، فصلنامه مطالعات بسیج، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۴۷-۷۳.

۱۱- فیروزآبادی، سید حسن و فرهادی، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر فرهنگ بسیجی بر امنیت ملی کشور»، مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۴۲، صص ۹-۴۸.

۱۲- قربان پور، علی و قربان پور، محمد (۱۳۹۷)، «مفهوم امنیت ملی و نقش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تأمین آن»، جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی- جایزه ویژه علامه جعفری (ه).

۱۳- مبینی کشه، زهرا و امینی، امین (۱۴۰۳)، «بررسی مقایسه‌ای جنگ شناختی با سایر جنگ‌های غیرجنبشی»، سیاست دفاعی، شماره ۱۲۷، صص ۵۱-۷۶.

### ب) منابع انگلیسی

14- Claverie, Bernard & Du Cluzel, Francois (2022), "The Cognitive Warfare Concept", Psychology, Political Science.

